[241] خاص دارند، اگر أو را امر كنى كه بالاى منبر رود وخطبه خواند، در زبان أو لكنت ظاهر شود واز نظر مردم بيفتد وحقير گردد، معاويه گفت: ما در باره برادرش حسن همين گمان را مى كرديم، ولى هنگاميكه بالاى منبر آمد و خطبه خواند در چشم مردم بزرگتر شد وما را هم رسوا كرد، مردم نپذيرفتند واصرار كردند، تا آنجا كه معاويه مجبور شد آن حضرت را امر به خواندن خطبه نمايد. امام (عليه السلام) بالاى منبرآمد وحمد وثناى الهى را بجاى آورد ودرود بر پيامبر فرستاد، آنگاه شنيد مردى مى گويد: اين مرد كه خطبه مى خواند كيست ؟ امام فرمود: ما حزب پيروز خداوند هستيم، ما عترت پيامبر كه مقربان درگاه الهى اند مى باشيم، ما اهل بيت آن حضرت كه پاكيزه اند مى باشيم، وما يكى از دو چيز گرانمايه كه رسول خدا به عنوان دومي كتاب خدا قرار داد مى باشيم، آن كتابي كه در تفصيل وبيان هر چيز در اوست وباطل كننده أي از جلو وعقب أو نيايد، وتفسير قران بما واگذار شده، وتأويل آن بر ما دشوار نمى باشد، بلكه ما از حقائق آن پيروى مى كنيم، وآنچه حقيقت قرآن مى باشد را مى دانيم. پس أي مردم از ما اطاعت كنيد، كه فرمانبرى از ما واجب مى باشد، چرا كه به اطاعت خدا وپيامبر أو وابسته است، خداوند مى فرمايد: " خدا
